

## متن پرسش

با عرض سلام و احترام خدمت استاد بزرگوار: ان شاءالله که شهد شیرین طاعت و عبادت در ماه مبارک رمضان برجانتان بیش از پیش نشستند باشه، سوالی از خدمتتون دارم ممنون میشم بنده رو راهنمایی کنید که از این حال بد و سردرگمی نجات پیدا کنم. بنده به لطف خدا ۲۲ سال دارم از سن ۱۶ سالگی باز هم به لطف خدا در مسیری قرار داده شدم و تونستم ۳ سال حساس نوجوانیم رو در مدرسه ای مذهبی با مدیر و معلمانی دلسوز بگذرانم، در این سه سال از همنشینی با این خوبان خصوصاً در سال آخر دبیرستانم از لحاظ معنوی بسیار بسیار حال خوش و سبکی داشتم، ارتباط با شهدا، امام زمان، نماز شب، مطالعه ی کامل کتب مذهبی مثل نهج البلاغه، نهج الفصاحه، مطالعه ی عالی دروس مدرسه از الطاف ویژه ی خداوند به بنده بود و طی همین حال خوب عهدی که با خدا بستم که در رشته ای قبول شوم که واقعا مفید باشم و بتوانم تمام تلاشم را در خدمت به خلق او و امام زمان (عج) انجام دهم مشوق عالی من در این مسیر بود، به لطف خدا با تمام سختی ها و مشقتی که در زندگی شخصی و تحصیلی ام داشتم توانستم در رشته ی مشاوره دانشگاه فرهنگیان قبول شوم، در ابتدای ورود به دانشگاه همچنان این حال خوب و این امید و تلاش همراهم بود اما بعد از گذشت مدت کمی با گذراندن اوقات در خوابگاه دانشجویی در اتاق های ۱۰ نفره با افراد متفاوت و اهمال کاری و غفلت خودم بسیاری از این حال خوب را از دست دادم، نه توانایی حفظ مطالب دارم نه حتی انگیزه ای برای حرکت در مسیر، هدف همچنان هست اما من تغییر کردم نمی دانم علت دقیقش چیست ولی هرچه که هست شرایط جدید اصلا خوب نیست. نه قرائت قرآن و نمازش مثل قبل است نه دیگر مثل گذشته مطالعه ی کتب دینی دارم، حتی از لحاظ درسی نیز بسیار افت کرده ام، حافظه ام ضعیف شده، دوره ی حفظ قرآن که روزی آرزویم بود را شرکت کردم اما نیمه رها کردم، شوق درس خواندن ندارم وقتی هم سراغ کتاب های درسی ام می روم نمی توانم مطالب را حفظ کنم و همان مطالبی هم که از رو خواندم فراموش می کنم، دیگر آن شوق نماز شب را ندارم ولی برای رهایی از عذاب وجدان همراه نماز صبح قضای ۳ رکعتش را می خوانم آن هم با عجله، سعی می کنم دوره های معرفتی مثل تبیین منظومه ی فکری رهبری را شرکت کنم اما باز هم در وسط راه ادامه نمی دهم، برنامه ریزی برای انجام کار های روزمره که انجام می دهم به برنامه اصلا عمل نمی کنم، حال خوشی ندارم هدفی که داشتم کمرنگ شده و اینکه زیر قلم با خدا بزنم اشکم را در می آورد با اینکه جلسات مشاوره برنامه ریزی و تقویت انگیزه و اراده را شرکت کردم اما با این لالایی ها خودم خواب نمی روم، از اینجا رانده و از آنجا مانده شده ام، اگر نسخه ای برای این حال دارید از جوانی که سردرگم شده دریغ نفرمایید. □□

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید بالاخره برای حضور در مرتبه معرفتی بیشتر، باید معلوم گردد معارف قبلی را باید رشد داد تا اعمال ما با نشاط بیشتر و مطابق معارف عمیق‌تر شکل بگیرد و از این جهت حالتی که پیش آمده حالت بدی نیست تا به حکم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ» خود را با حضور در معارف عمیق‌تر بازخوانی کنید. توصیه بنده رجوع به مباحث «معرفت نفس» از یک‌طرف و حضور در تاریخ انقلاب اسلامی به عنوان سرباز این انقلاب از طرف دیگر می‌باشد. موفق باشید